

ایمان به وعده‌های الهی و هدفمندی زندگی از منظر قرآن کریم

حسین مقدس*

تاریخ دریافت: ۹۷/۶/۵

جواد کارخانه**

تاریخ پذیرش: ۹۷/۱۰/۳

چکیده

در نگرش جهان بینی الهی، عالم و آدم هدفمند بوده و در مسیر خاصی در حرکت می‌باشند. اساس خلقت بر رسیدن به لقاء الهی بوده و برای رسیدن به آن برنامه‌های مشخصی تبیین گشته است. در همین امر، نقش ایمان به وعده‌های الهی در هدفمندی و جهت دهی شاکله بینش و روش زندگی انسان، از جمله مسائل مهمی است که در این تحقیق به آن پرداخته شده است. در اهمیت و ضرورت این مهم، باید اذعان نمود، بعد از علم به هدفمندی زندگی، داشتن انگیزه درست و امید به زندگی می‌تواند نقش بسزایی در حیات انسان ایفا نماید. ایمان به وعده‌های الهی، نقش راهبردی مهمی در حیات انسان دارد که در قرآن کریم و روایات اهل بیت علیهم السلام به آن اشاره شده است. در این تحقیق، ضمن تعریف هدفمندی خلقت، ابتدا به برخی از اهداف مهم خلقت انسان از جمله عبادت، بهره مندی از رحمت الهی و اقتضای فیاضیت الهی، و سپس نگاه قرآن کریم به وعده‌های الهی و نقش ایمان و اثربخشی مهم آن‌ها در حیات دنیوی و اخروی انسان، به روش توصیفی-تحلیلی پرداخته شده است.

کلیدواژگان: خلقت، عبادت، دنیا، استخلاف، نصرت.

مقدمه

سؤال از اهداف خلقت موجودات را می‌توان از مهم‌ترین و غامض‌ترین سؤالاتی دانست که همواره افکار بشری را متوجه خویش نموده است. در این مورد اندیشمندان و قلم به‌دستان در صدد نگارش کتاب و مقاله و جزوه برآمده و خواسته‌اند به نحوی در این مهم اظهار نظر نمایند. اما آنچه که بسیار حائز اهمیت می‌باشد این است که چگونه می‌توان به انسان در عالم خاکی، امید به یک زندگی برتر را ارائه نمود. قرآن کریم و روایات صادره از ائمه معصوم علیهم السلام با ترسیم تصویر درستی از زندگی انسان‌ها و تفسیر واقعیت حیات آدمی در عالم هستی، ضمن ارائه پاسخی مناسب به پرسش اهداف خلقت، امید به زندگی سالم را در پرتو عقل و نقل در انسان‌ها دمیده است. ایمان به وعده‌های تحقق‌بخش الهی در هدفمندی زندگی، نقشی بسزا در تلاش انسان برای حیات برتر را ایفا می‌نماید. مسأله مهمی که در این راستا به نظر مهم می‌رسد این است که چگونه ایمان به وعده‌های الهی می‌تواند در هدفمندی زندگی انسان نقش ایفا کند؟ در این امر هرچند آثار فراوانی به چشم می‌خورد اما نوآوری این اثر به آن است که ضمن تبیین اهداف خلقت و تقسیم وعده‌های الهی به دو نوع دنیوی و اخروی، به آثار ایمان پرداخته شده که در زیر سایه سار آن می‌توان به حیات طیب و معقول دست یافت.

تعریف هدف

باید دانست سؤال از فلسفه و هدف زندگی با نظر به شرائط گوناگون کسانی که سؤال مزبور برای آنان مطرح است، به تحلیل و تصفیه و تحقیق مشروحی نیازمند است (جعفری، ۱۳۷۵: ۳۰). پرسش از فلسفه و هدف حیات به هیچ وجه تازگی ندارد و از دوران‌های قدیم، در هر جامعه‌ای افراد فراوانی با اشکال گوناگون از موضوع مزبور پی‌جویی کرده‌اند و با عقائد و اعمالی که از آن دوران به یادگار مانده است پاسخ قانع‌کننده‌ای درباره آن موضوع فراهم آورده‌اند (همان: ۱۵). آیا کسی و یا چیزی هست که زندگی انسان در پرتو آن هدفمند گردد؟ آیا چیزی هست که در سایه سار آن بتوان به زندگی انسان معنایی داد؟ به نظر می‌رسد همچنان این سؤال باقی است که نه تنها در دیروز که امروز نیز در دنیای مدرن این مسأله یکی از اساسی‌ترین مشکلات زندگی

فردی و اجتماعی بشر است که بسیاری دم از پوچی زندگی و بی معنایی می‌زنند، شاید بسیاری از اندیشوران سخن *والتر/استیس* را تأیید کنند که بی معنایی و آشفتگی انسان در عصر مدرن زائیده جدائی انسان از خدا و فقدان ایمان به خداست (استیس، والتر.تی، ۱۳۸۲: ۱۰۹).

در یک تعریف، هدف چیزی است که می‌خواهیم در آینده داشته باشیم. چیزی که می‌خواهیم به آن برسیم و برای رسیدن به آن تلاش می‌کنیم. آنچه در این امر مهم است اینکه بدانیم هدفمان از زندگی چه می‌تواند باشد تا بتواند به زندگی و حیاتمان معنا ببخشد. کوشش‌های درخشان فلاسفه و اندیشمندان و همه بانیان مذاهب در مورد توجیه و تفسیر حیات خود دلیلی است بر این موضوع که خواستند به این مهم بپردازند. روزها فکر من این است و همه شب سخنم

که چرا غافل از احوال دل خویشتم

(مثنوی مولوی)

از منظر برخی اندیشمندان هدف، عبارت است از آن حقیقت منظور که آگاهی و اشتیاق بدست آوردن آن، محرک انسان به سوی انجام دادن حرکات معینی است که آن حقیقت را قابل وصول می‌سازد (جعفری، ۱۳۷۵: ۲۴). از این نگاه، سه نکته کلیدی برای هدف قابل دقت است: آگاهی و اشتیاق، کار و وصول به هدف. قطعاً سؤال از هدفمندی زندگی برای افراد با شرائط گوناگون متفاوت است. همانند کودکی که بخواهد به این پرسش دست یابد و یا فیلسوفی بخواهد به راز آن پی برد. به طور کلی می‌توان گفت در گذرگاه تاریخ، هر فرد هوشیاری که در پهنه تلاقی خطوط ماده و حیات برای کم‌ترین لحظات توانسته است من خود را از غوطه ور شدن در شادی و اندوه و کشش‌های ضروری حیات بالاتر بکشد و حیات را برای خود برنهد، فوراً سؤال از هدف و فلسفه زندگی برای او مطرح شده است (جعفری، ۱۳۷۵: ۱۶).

قطعاً، آن کسی که عقل و اندیشه را در خدمت غرایز و امیال نفسانی خود قرار می‌دهد، نمی‌تواند به یاری آن به حقایق آگاه شود و هنگامی که شهوات بر کسی پیروز و رذایل نفسانی بر او مسلط می‌شود، دیگر او انسان حقیقی نیست، بلکه فقط در شکل و ظاهر انسان است ولی حقیقتش با انسانیت فاصله دارد (جوادی آملی، ۱۳۸۷:

۵۰/۱) و می‌توان این ادعا را نیز داشت چنین فردی هرگز به فهم حقیقت هستی و اهداف خلقت پی نخواهد برد. اگر انسان، حقیقت خود را برای شرح، به خدا نسپارد، دیگران او را شرح کرده و انسان شناسی می‌نگارند. اما به سان کتب آسمانی پیشین، دست به تحریف و تفسیر به رأی می‌زنند. هم بعضی از اسرار نهانی را کتمان می‌کنند، هم اموری بیگانه را به عنوان خواسته‌هایش بر او تحمیل می‌نمایند و هم خواسته‌های حقیقی او را جابه‌جا می‌کنند.

هدفمندی خلقت جهان

در مورد هدفمندی جهان، بالأخص خلقت انسان، با دو نظام فکری روبه‌رو هستیم: ۱. نظام فکری الهیون که دارای منظومه فکری منسجم بوده و معتقدند جهان را خالق است خدا نام، و جهان بر اساس حکمت خاصی در حرکت است. این اندیشه در میان الهیون مسلمان غالب است.

۲. طرز تفکر ماتریالیست‌ها که معتقدند جهان بر حسب تصادف و تصادمی حادث گشته، و از ماده به وجود آمده و هیچ هدفی در آن نیست. این‌ها قائل به اصالت مکانیسم بوده و جریان امور عالم را ماشین‌وار دانسته، تنازع بقا را دلیل بر ردّ غایت می‌دانند (نصری، ۱۳۸۸: ۲۶۲).

از همین جاست که تمام مسائلی که در بحث از انسان شناسی مطرح است، قرآن کریم همه آن‌ها را مطرح می‌سازد. قرآن، هم چگونگی پیدایش انسان را مطرح می‌سازد، و هم فلسفه خلقت انسان را. قرآن، هم به سؤال از «کجا آمده‌ایم؟» پاسخ می‌گوید، و هم به سؤال «به کجا باید رفت؟»؛ هم ابعاد وجودی انسان را در نظر می‌گیرد، و هم طبیعت و نهاد آدمی را مشخص می‌کند؛ هم نیازهای انسان را مطرح می‌کند، و هم چگونگی ارضای این نیازها را. در قرآن، هم از عوامل رشد انسان سخن به میان آمده است، و هم به هر یک از موانع رشد، به طور مجزا و مستقل، اشاره شده است (نصری، ۱۳۷۹: ۲۶-۲۵). استاد جوادی *آملی* با طرح این پرسش که؛ همه ما در درون خود با این پرسش مواجه‌ایم که چرا خلق شده‌ایم؟ پاسخ به این پرسش را با بیان دو مطلب ممکن دانست. نخست اینکه هدف خدا از آفرینش جهان و انسان چیست؟ و دوم اینکه هدف از خلق ما

چیست؟ در پاسخ به پرسش نخست باید بگوییم که به طور کلی این سؤال صحیح نیست، چون خدا خود هدف است؛ نه اینکه هدف داشته باشد (جوادی آملی، ۱۳۸۷: ۱۲/۲). در این راستا/استاد مطهری معتقدند: «باید دانست سؤال «هدف از خلقت چیست؟» یک وقت به این معناست که هدف خالق از خلقت چیست، یعنی خالق چه انگیزه‌ای دارد و چه چیز عامل و باعث و محرک او برای خلقت است، از این رو برخی معتقدند، خلقت نمی‌تواند به این معنا هدف داشته باشد، زیرا مستلزم نقص و کمبود فاعل (خداوند) است. یعنی این گونه هدفداری تنها در فاعل‌های بالقوه و در مخلوقات صادق است، و در خالق هستی، یعنی خداوند، مورد و مصداق ندارد؛ چون اینه هدف داشتن‌ها برمی‌گردد به استکمال یعنی فاعل با کار خود می‌خواهد به چیزی و کمالی که ندارد برسد. ولی یک وقت هدف فعل، مطرح است، زیرا هر کاری را که در نظر بگیریم این کار به سوی هدف و کمالی است و برای آن کمال آفریده شده تا به آن برسد» (مطهری، ۱۳۶۵: ۷۰). این سؤال که خداوند چه حکمت و مصلحتی در خلقت عالم در نظر داشته، برای کسی پیش می‌آید که با دلایل عقلی و قطعی، خدایی یکتا را که، دارای همه صفات کمال باشد، اثبات کرده باشد. نکته دیگر آنکه عرفا که عالم هستی را تجلی خداوند می‌دانند، بر این باورند که آن آئینه واحدی که در تعیین اول وجود داشت و همه کمالات حق را یکجا به او نشان می‌داد، با خلق عالم، شکسته و تکه تکه شد و در همه عالم پراکنده گردید. از این رو در هر جزء عالم که بنگری و هر تکه از این آئینه شکسته را که برداری و در آن نظر بیفکنی، خدا را در آن خواهی دید (حکمت، ۱۳۸۴: ۸۴).

به تعبیر دیگر حق تعالی به لحاظ آنکه عین وجود و وجود محض است هیچ ظهور و بروز در عالم ندارد و همینطور چون بسیط من جمیع الجهات است هیچ رابطه و سنخیتی با عوالم وجود ندارد. برای آنکه این ارتباط برقرار شود بین خود و مخلوقات اسما را خلق فرمود تا هر یک از موجودات عالم مظهر اسمی از اسماء الهی باشد و بدین وسیله بین خدا و مخلوقات ارتباط برقرار شود (حسن زاده، ۱۳۷۷: ۶).

در عرفان نظری و حکمت اشراقی و ذوقی، خلقت جهان عبارت از تجلی حق است که همه چیز را آفرید. در تجلیات نیز مانند حکمت بحثی که قائل به ترتیب در نظام خلقت است، نظم خاصی برقرار است و انواع و اقسامی دارد مانند تجلی اول و دوم و سوم، تجلی

جمالی، تجلی جلالی، تجلی اسمائی، تجلی افعالی (سجادی، ۱۳۸۹: ۲۲۳). از سویی با توجه به اینکه عالم هستی داری دو جنبه است: جنبه یلی الرب و دیگری یلی الخلق. وجه امری یا جنبه الهی. بر اساس آیه کریمه: ﴿أَلَا لَهُ الْخَلْقُ وَالْأَمْرُ﴾ (اعراف/۵۴): «آگاه باش که [عالم] خلق و امر از آن اوست». می توان ادعان داشت، آفرینش عبارت است از ربط موجودات به خدا، به بیان دیگر اصل وجود جهان آفرینش از جهت ارتباطی که با خداوند دارد وجه امری آن ها تلقی می شود. وجه ربی و الهی جهان ثابت و غیر قابل تغییر است و در آن فنا راه ندارد. اما جنبه خلقی جهان امری تدریجی است که در محدوده زمان و مکان قرار داشته و در این جنبه همه موجودات جهان نیازمند علل و اسباب طبیعی هستند و در معرض کون و فساد قرار می گیرند (جوادی آملی، ۱۳۸۴: ۲۶۵). با توجه به این امر، در مورد خلقت انسان از دیدگاه قرآن، می توان گفت، انسان تفاوت ذاتی با همه موجودات جهان آفرینش دارد. انسان به غیر از جماد و گیاه و حیوان است. انسان با حیوان مشترکاتی دارد، اما امتیازاتی هم دارد که بیش از وجوه اشتراک می باشد (قراملکی، ۱۳۷۳: ۷۸).

اهداف خلقت انسان

با نگاه کلی به مجموع آیات قرآنی، به ویژه مقام و مرتبه ای که قرآن برای انسان در نظر می گیرد، این نتیجه به دست می آید که نمی توان انسان را برگرفته و برخاسته از حیوان دانست. به عبارت دیگر نمی توان او را حیوانی برتر و، به اصطلاح طرفداران نظریه تحول انواع، حیوانی تکامل یافته در نظر آورد (رشاد، ۱۳۷۹: ۱۷۲-۱۶۷). از این منظر در خلقت انسان اهدافی بلند قابل طرح است که به برخی اشاره می گردد:

۱. عبادت

قرآن کریم، هدف از آفرینش جن و انس را عبادت خدای سبحان می داند:

﴿وَمَا خَلَقْتُ الْجِنَّ وَالْإِنْسَ إِلَّا لِيَعْبُدُونِ﴾ (ذاریات/۵۶)

«من جن و انس را نیافریدم جز برای اینکه عبادتم کنند»

یعنی عبادت کردن، هدف جن و انس است؛ نه اینکه معبود شدن، هدف خدا باشد. البته عبادت نیز هدف متوسط است و هدف نهایی، لقای خداست (جوادی آملی،

۱۳۸۳: ۳۹۱) و تحقق این هدف به معنای تحقق معناداری زندگی است. مرحوم علامه طباطبایی نیز در ذیل آیه می‌فرماید: «یعنی غرض این بوده که خلق، عابد خدا باشند، نه اینکه او معبود خلق باشد، چون فرموده «الا لیعبدون» یعنی: تا آنکه مرا پرستند، و فرموده: تا من پرستش شوم یا تا من معبودشان باشم. علاوه بر این، غرض هرچه باشد پیداست امری است که صاحب غرض به وسیله آن استکمال می‌کند، و حاجتش را برمی‌آورد» (طباطبایی، ۱۳۷۴: ۵۸۰/۱۸). انسان همانند هسته‌ای است که هدف متوسط آن درخت شدن و هدف بالاتر آن به بار نشستن است و هدف‌های دیگری نیز در پیش دارد. گرچه بر اساس برخی آیات قرآن کریم عبادت هدف آفرینش انسان است، اما این، هدفی است متوسط، نه نهایی؛ زیرا هدف برتر که عبادت نسبت به آن وسیله محسوب می‌شود نیل به یقین است:

﴿وَأَعْبُدْ رَبَّكَ حَتَّىٰ يَأْتِيَكَ الْيَقِينُ﴾ (حجر/۹۹)

«پروردگارت را عبادت کن تا یقین (مرگ) تو فرا رسد»

و در هر صورت عبادت، هدف مخلوق است، نه خالق. چنین نیست که خداوند برای رسیدن به هدفی مانند معبود شدن، بشر را خلق کرده باشد تا با عصیان عاصیان، او به هدف نرسیده باشد؛ چون خدای متعال غنی محض است و محال است بی‌نیاز محض کاری را برای رسیدن به هدفی انجام دهد. مقصد و مقصودی بالاتر از ذات اقدس او وجود ندارد تا او برای رسیدن به آن مقصد و مقصود، کاری انجام دهد (جوادی آملی، ۱۳۸۸: ۱/۴۰۰). از این رو در قرآن کریم تصریح شده است که اگر همه انسان‌ها و دیگر عابدان زمین به خدا کفر ورزند، بر دامن کبریائی‌اش گردی نخواهد نشست:

﴿إِن تَكْفُرُوا أَنتُمْ وَمَنْ فِي الْأَرْضِ جَمِيعًا فَإِنَّ اللَّهَ لَغَنِيٌّ حَمِيدٌ﴾ (ابراهیم/۸)

«اگر شما و همه مردم روی زمین کافر شوید (به خدا زبانی نمی‌رسد؛

چراکه) خداوند، بی‌نیاز و شایسته ستایش است»

کمال مخلوق در عبادت متقیانه خداست، نه اینکه اگر خدا بخواهد کامل شود باید معبود قرار گیرد. خدای سبحان عین کمال و کمال محض است؛ عابدان او را عبادت کنند یا عبادتش را رها کنند برای او یکسان است (جوادی آملی، ۱۳۸۸: ۳/۴۲۹). این انسان است که با عبادت به رشد شهودی و توحید ناب می‌رسد (جوادی آملی، ۱۳۸۸: ۵/

۴۳۶). انسان در مسیر عبادت به دنبال ماوراء طبیعت است و مقصود از ماوراء طبیعت عالی‌ترین افق حیات است که همه افراد آگاه آن را درمی‌یابند و پرسش‌های اساسی خود را با آن دریافت می‌کنند. به عبارت دیگر، این همان افق کلی حیات است که در مافوق جزئیات و پدیده‌های زودگذر حیات قرار گرفته و دارای قوانین و اصول عالی است (جعفری، ۱۳۷۵: ۱۱۲).

این را هم می‌توان اذعان نمود که مراد از الانسان جنس انسان است نه کل انسان. لذا با عبادت برخی از انسان‌ها نیز هدف، محقق می‌شود.

۲. جوار رحمت الهی

یکی دیگر از اهداف بلند خلقت انسان که حقیقت انسان ارزش داده و از پوچی و نیستی رها نموده و در حد اعلی هستی قرار می‌دهد قرار گرفتن در جوار رحمت الهی می‌باشد. به خصوص وقتی در مورد انسان سخن به میان می‌آید باید گفت هدف خلقت انسان در این جهان، آماده کردن او برای یک زندگی جاودانی است که خود هدف و مطلوب نهایی است. در اینجا هم وقتی گفته می‌شود: هدف از آفرینش انسان چیست؟ می‌گوییم: برای تکامل انسان و دریافت رحمت. اگر پرسیده شود: دریافت رحمت پروردگار برای چه منظوری است؟ گفته می‌شود: برای قرب به پروردگار! یعنی این هدف نهایی است و همه چیز را برای تکامل و قرب می‌خواهیم، اما قرب و دریافت رحمت را برای خودش (یعنی برای تقرب به پروردگار) که ماورای آن پاسخ دیگری نیست (مکارم شیرازی، ۱۳۷۴: ۲۲/۳۹۳) البته افرادی می‌توانند از این رحمت و فیض الهی استفاده کنند که به نهایت درجه تکامل رسیده باشند؛ از این رو اثر تکامل آرامش در سایه سار رحمت الهی است:

﴿وَلَوْ شَاءَ رَبُّكَ لَجَعَلَ النَّاسَ أُمَّةً وَاحِدَةً وَلَا يَزَالُونَ مُخْتَلِفِينَ إِلَّا مَن رَّحِمَ رَبُّكَ وَلِذَلِكَ خَلَقَهُمْ﴾ (هود/۱۱۸-۱۱۹)

«و اگر پروردگارت می‌خواست، همه مردم را یک امت (بدون هیچ گونه اختلاف) قرار می‌داد؛ ولی آن‌ها همواره مختلف‌اند مگر کسی را که پروردگارت رحم کند! و برای همین (پذیرش رحمت) آن‌ها را آفرید»

در این راستا هدف عالی و غایی خلقت، وصول به مبدأ نور هستی است، یعنی منتهی الیه سیر مخلوقات، همان خداست که در قرآن به آن اشاره گشت:

﴿إِنَّ إِلَىٰ رَبِّكَ الرُّجْعَىٰ﴾ (علق/ ۸)

«مسلماً بازگشت همه به سوی پروردگار تو است»

۳. خلقت بر اساس فیاضیت الهی

از سویی باید دانست که خدا می‌آفریند چون او فیاض و جواد مطلق است. فیاضیت و جود، جزء صفات خدا بوده و خداوند به واسطه این کمالات ذاتی خلق می‌کند. فیاض و جواد بودن خداوند با آفریدن و ایجاد کردن محقق می‌شود. پس لازمه فیاض بودن آفریدن است. اگر سؤال شود چه چیز باعث شد خدا بیافریند؟ پاسخ می‌دهیم که فیاض بودن او باعث آفرینش شده است. آنچه در اینجا برای ما مهم می‌باشد، این است که فیاض بودن - که علت غایی آفرینش است - عین ذات خداست و خارج از ذات او نیست. پس اگر سؤال شود چرا خداوند آفرید؟ خواهیم گفت: چون خدا است. پس علت غایی در واقع خود خداوند است. این همان سخن فلاسفه ماست که می‌گوید: علت غایی و علت فاعلی در افعال خداوند، متحد است (مصباح یزدی، ۱۳۹۱: ۱/ ۱۵۴). رحمت و فیاضیت الهی که عین ذات اوست اقتضا دارد که خدا بیش‌ترین لطف و عنایت را داشته باشد و مقام خلافت عنایت رحمانی است. در منظر عرفا و اهل معرفت عالم مظهر تجلی اسماء و صفات حق است و هر موجودی مظهر یک یا چند اسم یا صفت از اسماء و صفات الهی است. اهل معرفت، بنا بر آیه:

﴿إِنَّا عَرَضْنَا الْأَمَانَةَ عَلَى السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ وَالْجِبَالِ فَأَبَيْنَ أَنْ يَحْمِلْنَهَا وَأَشْفَقْنَ مِنْهَا وَحَمَلَهَا الْإِنْسَانُ إِنَّهُ كَانَ ظَلُومًا جَهُولًا﴾ (احزاب/ ۷۲)

«ما امانت (تعهد، تکلیف، مسئولیت و ولایت الهیه) را بر آسمان‌ها و زمین و کوه‌ها عرضه داشتیم آن‌ها از حمل آن ابا کردند و از آن هراس داشتند، اما انسان آن را بر دوش کشید! او بسیار ظالم و جاهل بود»

معتقدند در میان همه موجودات تنها این انسان است که شایستگی و قابلیت آن را دارد که مظهر تمامی اسماء و صفات حق باشد. این قابلیت اگرچه به صورت بالقوه برای

نوع بشر و تک تک انسان‌ها ثابت است؛ اما در عمل شمار اندکی این قابلیت را در وجودشان به فعلیت می‌رسانند که از آن‌ها به عنوان انسان کامل یاد می‌شود. از جمله مصادیق انسان‌های کامل می‌توان به پیامبران الهی و ائمه علیهم السلام اشاره کرد. انسان کامل نسبتی با حق و نسبتی با خلق دارد و با در نظر گرفتن این دو نسبت، به عناوینی چون حقیقت محمدی، کون جامع، تجلی اعظم یا مظهر اتم، کمال جلاء و کمال استجلاء، خلیفه الهی، روح عالم و عالم کبیر یاد می‌شود (یزدان پناه، ۱۳۹۳: ۵۶۹-۶۳۲). اینکه در برخی روایات، حضرات معصومین (ع) علت خلقت بیان شده‌اند به خاطر این است که آن‌ها بهترین امتحان‌ها را می‌دهند و عالی‌ترین و کامل‌ترین عبادت از آن‌ها صادر گشته، و لذا به معنای واقعی کلمه خلیفه الله و جانشیان تام حضرت حق هستند. آنچه که از مجموع ادله بررسی اهداف خلقت می‌توان استنباط نمود این است که هدف خداوند به این معنا که بخواهد با آفریدن موجودات و به خصوص انسان، به کمالی برسد، درست نیست. با توجه به این آیات و برخی ادله دیگر می‌توان فهمید که بعضی از این ادله، مقدمه برای بعضی دیگر است، آگاهی و معرفت مقدمه‌ای است برای بندگی و عبادت، و آن نیز مقدمه‌ای است برای آزمون و تربیت بشر و آن هم مقدمه‌ای است برای بهره‌گیری از رحمت خدا (مکارم شیرازی، ۱۳۷۴: ۲۴/۲۶۴). از سویی باید دانست لقاء الله می‌تواند هدف ذاتی خلقت باشد و لذا با توجه به اینکه ذاتی شی لا یعلل، بعد از این، سؤالی وجود ندارد.

وعده‌های خدا در قرآن

خدای متعال با توجه به نیازهای بشر و با در نظر گرفتن شرایط زمان و مکان بندگان، به آن‌ها وعده‌هایی داده است که در قرآن کریم با نظر به ساختار آثار تربیتی این وعده‌ها و به تناسب شرایط مسلمان به نقل این وعده‌ها اشاره شده است. خصلت انسان طوری است که تا میل به انجام کاری نداشته باشد آن را انجام نمی‌دهد، خداوند لذت‌های پیش روی بشر را بدین منظور وعده می‌دهد که انگیزه‌ای برای انسان ایجاد کند. به نظر می‌رسد این وعده‌ها را می‌توان آن‌ها را به دو بخش دنیوی و اخروی تقسیم نمود که در ادامه به آن پرداخته خواهد شد.

تعریف وعده

وَعْدُ هِمَّ دَرِ خُوبِي وَ هِمَّ دَرِ بَدِي مِي بَاشَد- وَعْدَتُهُ بِنَفْعٍ وَ ضَرِّ. وَعْدًا وَ مَوْعِدًا وَ مِيْعَادًا- که سه مصدر دارد یعنی او را به سود و زیان وعده دادم، اما- وَعِيد- فقط در بدی و شر و زیان است مصدرش- مَعَاوِدَةٌ وَ تَوَاعُدٌ- است(راغب اصفهانی، ۱۳۶۹: ۴/ ۴۶۶). در همین مورد می‌توان آیات قرآن را به سه بخش تقسیم نمود:

۱. برخی از آیات که در آن‌ها وعده به معنی خیر است:

﴿أَفَمَنْ وَعَدْنَاهُ وَعْدًا حَسَنًا فَهُوَ لَاقِيهِ كَمَنْ مَتَّعْنَاهُ مَتَاعَ الْحَيَاةِ الدُّنْيَا ثُمَّ هُوَ يَوْمَ الْقِيَامَةِ مِنَ الْمُخْضَرِينَ﴾ (قصص/ ۶۱)

«آیا کسی که به او وعده نیکو داده‌ایم و به آن خواهد رسید، همانند کسی است که متاع زندگی دنیا به او داده‌ایم سپس روز قیامت(برای حساب و جزا) از احضارشدگان خواهد بود؟»

۲. برخی به معنای وعید و شر می‌باشد:

﴿قُلْ أَفَأَنْبِيئِكُمْ يُشْرِكُ مِنْ ذِكْرِكُمُ النَّارُ وَعَدَّهَا اللَّهُ الَّذِينَ كَفَرُوا وَبِئْسَ الْمَصِيرُ﴾ (حج/ ۷۲)

«بگو: «آیا شما را به بدتر از این خبر دهم؟ همان آتش سوزنده [دوزخ] که خدا به کافران وعده داده؛ و بد سرانجامی است»

۳. و برخی نیز هم معنای خیر و هم شر را می‌توان استنباط نمود:

﴿أَلَا إِنَّ وَعْدَ اللَّهِ حَقٌّ﴾ (یونس/ ۵۵)

«آگاه باشید همانا وعده خدا حق است»

برخی از نویسندگان در تعریف وعد معتقدند وعده در لغت به معنی عهد است(قرشی، ۱۳۷۱: ۷/ ۲۲۷) و در اصطلاح عبارت است از تعهد کردن به انجام امری، خواه آن امر خیر باشد یا شرّ، و اختصاص پیدا کردن به یکی از آن‌ها به واسطه قرینه، معین می‌شود(مصطفوی، ۱۳۸۰: ۳/ ۲۱۹).

تفاوت وعده با عهد

در تفاوت میان این دو گفته شده، عهد به وعده‌ای گفته می‌شود که مقرون به شرط باشد، و درباره انجام آن، از لفظ وفا کردن استفاده می‌شود، اما درباره وعده از لفظ انجام

استفاده می‌گردد، و به عمل نکردن به عهد، نقض عهد گفته می‌شود در حالی که به عمل نکردن به وعده خُلف وعده گفته می‌شود(ابی هلال، ۱۴۱۲: ۳۷۹).

تفاوت وعده با وعید

غالباً در برابر وعده از واژه وعید استفاده می‌شود. هرچند در پیرامون تفاوت میان این دو واژه بحث‌های گسترده‌ای وجود دارد لیکن از اهم تفاوت میان آن دو می‌توان به موارد زیر اشاره نمود:

۱. وعده، در وعده خیر و شر به کار می‌رود ولی "وعید" و "ایعاد" فقط در وعده شر استعمال می‌شود(ابن منظور، ۱۴۱۴: ۳/۴۶۳).
۲. وعید خُلفش مانعی ندارد بلکه بسا حُسن هم دارد، اما وعد خُلفش قبیح است و محال است از خداوند صادر شود(طیب، ۱۳۷۸: ۱۰/۳۶۰).
۳. وعده از راه تفضّل خداوند بر بندگان است نه استحقاق بندگان، زیرا مؤمن هرچه ایمانش کامل‌تر باشد و اعمال صالحه او زیاده‌تر باشد، نمی‌تواند شکر کوچک‌ترین نعمت‌های الهی را ادا نماید تا مستحق دریافت آن وعده‌ها گردد، ولی وعید از راه استحقاق عباد است و خداوند زائد بر استحقاق، کسی را عذاب نمی‌کند، بلکه چه بسا عفو نموده و گذشت می‌کند(همان: ۹/۲۷۵).

حقانیت وعده‌های الهی

یکی از نکات قابل دقت در ایمان به وعده‌های الهی، حتمیت و تحقق یافتن به این وعده‌ها است که اثر سازنده‌ای در تربیت روحی و روانی انسانی دارد. دانستن این مهم که وعده‌های خداوند حق است و هیچ‌گونه باطل در آن راه ندارد، از نکات غیر قابل اغماضی است که به کرات می‌توان از آیات قرآن کریم استنباط نمود چراکه قرآن کریم همیشه با واقعیّات منطبق است، قرآن کریم در این باره می‌فرماید:

﴿الْأَيْنَ وَعَدَ اللَّهُ حَقًّا﴾ (یونس/۵۵)

«آگاه باشید وعده خدا حق است»

در این راستا می‌توان اذعان داشت، از آنجا که قول خدای تعالی همان فعل او است، وعده او عبارت است از همان رفتاری که او با ما خواهد کرد که فعلاً برای ما غایب است و جنبه آینده را دارد، ولی برای خدای تعالی نه غایب است و نه جنبه آینده دارد (طباطبایی، ۱۳۷۴: ۱۱۱/۱۰).

لازم به ذکر است که در قرآن کریم آیات فراوانی می‌توان یافت که در مورد حقانیت وعده‌های خداوند وارد شده، که می‌تواند تأکیدی بر واقعی بودن وعده‌های خداوند باشد. از سویی باید دانست خلف وعده از خداوند دارای اشکالات فراوانی می‌تواند باشد که برخی از آن‌ها عبارت‌اند از:

۱. خلف وعده یا از جهت عدم قدرت و عجز بر انجام است یا از جهت احتیاج است یا از جهت نسیان است، که این جهات در خداوند راه ندارد (مکارم شیرازی، ۱۳۷۴: ۱۰/۳۸۴).

۲. اگر خلف وعده بر خدا جایز باشد، ارسال رسولان و تنذیر و تبشیر مردم کاری عبث بوده و باعث سلب اطمینان بندگان و سست شدن آن‌ها در اطاعت و عبادت او می‌شود (طیب، ۱۳۷۸: ۴/۳۱۵) آنچه‌ان که خداوند در قرآن فرموده:

﴿فَلَا تَحْسَبَنَّ اللَّهَ مُخَلَّفًا وَعَدُوهُ رَسُولَهُ إِنَّ اللَّهَ عَزِيزٌ ذُو انتِقَامٍ﴾ (ابراهیم/۴۷)

«پس گمان مبر که خدا وعده‌ای را که به پیامبرانش داده، تخلف کند چرا که خداوند قادر و انتقام گیرنده است»

۳. وعده‌های خدا بر اساس حکمت و مصلحت اوست، چنانکه قرآن کریم، برای یادآوری وضعیّت مؤمنین پیش از وقوع غزوه بدر، درباره وعده خدا به مؤمنان، می‌فرماید (قرائتی، ۱۳۸۳: ۹/۲۳۶).

﴿وَإِذْ يَعِدُكُمُ اللَّهُ إِحْدَى الطَّائِفَتَيْنِ أَنَّهُمْ لَكُمْ وَتَوَدُّونَ أَنَّ غَيْرَ ذَاتِ الشُّوْكَةِ تَكُونُ لَكُمْ وَيُرِيدُ اللَّهُ أَنْ يُحَقِّقَ الْحَقَّ بِكَلِمَاتِهِ وَيَقْطَعَ دَابِرَ الْكَافِرِينَ﴾ (أنفال/۷)

«و(به یاد آرید) هنگامی را که خداوند به شما وعده داد که یکی از دو گروه [کاروان تجاری قریش، یا لشکر مسلح آن‌ها] نصیب شما خواهد بود و شما دوست می‌داشتید که کاروان (غیر مسلح) برای شما باشد (و بر آن پیروز شوید) ولی خداوند می‌خواهد حق را با کلمات خود تقویت، و ریشه کافران

را قطع کند(از این رو شما را بر خلاف میلستان با لشکر قریش درگیر ساخت، و آن پیروزی بزرگ نصیبتان شد»

در این آیه، خداوند به مؤمنین وعده نبرد و درگیری با یکی از دو گروه تجاری یا نظامی را می‌دهد، در حالی که مسلمین از قدرت کافی برای مبارزه برخوردار نبودند و نیازمند آرامش برای تثبیت نظام نوپای خود بودند، اما خداوند بر اساس مصلحت و حکمت، به آن‌ها این وعده را داد(مکارم شیرازی، ۱۳۷۴: ۱۰۰/۷).

وعده الهی در دنیا

آنطور که اشاره گشت بخشی از وعده‌های خداوند را می‌توان در همین دنیا و در زندگی دنیوی دانست که اهم آن‌ها عبارت‌اند از:

۱. **استخلاف:** یکی از وعده‌هایی که خداوند به مؤمنین داده است وعده حکمرانی در

زمین است:

﴿وَعَدَ اللَّهُ الَّذِينَ آمَنُوا مِنكُمْ وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ لَيَسْتَخْلِفَنَّهُمْ فِي الْأَرْضِ كَمَا اسْتَخْلَفَ الَّذِينَ مِن قَبْلِهِمْ وَلَيُمَكِّنَنَّ لَهُمْ دِينَهُمُ الَّذِي ارْتَضَى لَهُمْ وَلَيُبَدِّلَنَّهُم مِّن بَعْدِ خَوْفِهِمْ أَمْنًا يَعْبُدُونَنِي لَا يُشْرِكُونَ بِي شَيْئًا وَمَن كَفَرَ بَعْدَ ذَلِكَ فَأُولَٰئِكَ هُمُ الْفَاسِقُونَ﴾ (نور/۵۵)

«خداوند به کسانی از شما که ایمان آورده و کارهای شایسته انجام داده‌اند وعده می‌دهد که قطعاً آنان را حکمران روی زمین خواهد کرد، همانگونه که به پیشینیان آن‌ها خلافت روی زمین را بخشید و دین و آیینی را که برای آنان پسندیده، پابرجا و ریشه‌دار خواهد ساخت و ترسشان را به امنیت و آرامش مبدل می‌کند، آنچنان که تنها مرا می‌پرستند و چیزی را شریک من نخواهند ساخت. و کسانی که پس از آن کافر شوند، آن‌ها فاسقان‌اند»

هرچند مفسرین در تفسیر این آیه احتمالات زیادی را بررسی نموده‌اند، اما آنچه مهم به نظر می‌رسد این است که خداوند به مؤمنینی که دارای اعمال صالحه هستند وعده می‌دهد که به زودی جامعه صالحی مخصوص به خودشان برایشان درست می‌کند و زمین را در اختیارشان می‌گذارد و دینشان را در زمین متمکن می‌سازد، و امنیت را جایگزین ترسی که داشتند می‌کند، امنیتی که دیگر از منافقین و کید آنان، و از کفار و

جلوگیری‌های‌شان بیمی نداشته باشند، خداوند را آزادانه عبادت کنند، و چیزی را شریک او قرار ندهند (طباطبایی، ۱۳۷۴: ۲۰۹/۱۵). قطعاً ظهور حضرت مهدی موعود عجل الله تعالی فرجه الشریف می‌تواند یکی از مصادیق اتم این وعده الهی باشد که در برخی دیگر از آیات قرآن کریم نیز بدان اشاره شده، منتهی است بر مستضعفان و خوار شمرده شدگان، وسیله‌ای است برای پیشوا و مقتدا شدن آنان و مقدمه‌ای برای وراثت خلافت الهی آن‌ها در روی زمین می‌باشد (طاهری، ۱۳۹۴: ۲۰۷).

۲. نصرت الهی: یکی دیگر از وعده‌هایی که در قرآن کریم به مؤمنین داده شده است

نصرت الهی است. قرآن کریم در این امر می‌فرماید:

﴿يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا إِن تَنْصُرُوا اللَّهَ يَنْصُرْكُمْ وَيُثَبِّتْ أَقْدَامَكُمْ﴾ (محمد/۷)

«ای کسانی که ایمان آورده‌اید! اگر (آیین) خدا را یاری کنید، شما را یاری

می‌کند و گام‌های‌تان را استوار می‌دارد»

از نظر منطق مادّی، جهان نسبت به مردمی که در راه صحیح و یا راه باطل، راه عدالت یا راه ظلم، راه درستی یا راه نادرستی، می‌روند بی طرف و بی تفاوت است، نتیجه کارشان بسته است تنها به یک چیز: «مقدار تلاش» و بس. ولی در منطق فرد باایمان، جهان نسبت به تلاش این دو دسته بی طرف و بی تفاوت نیست، عکس العمل جهان در برابر این دو نوع تلاش یکسان نیست، بلکه دستگاه آفرینش حامی مردمی است که در راه حق و حقیقت و درستی و عدالت و خیرخواهی تلاش می‌کنند. در این آیه هرچند از واژه وعده استفاده نشده لیکن از فحوای آیه فهمیده می‌شود کسانی که به یاری الهی برخاستند خداوند وعده یاری‌شان داده و گام‌هایشان را استوار نگه می‌دارد.

۳. وعده به پاکدامنان: در قرآن کریم در مورد کسانی که قدرت بر ازدواج را ندارند

آمده است:

﴿وَلَيْسَ لَعَفِيفِ الَّذِينَ لَا يَجِدُونَ نِكَاحًا حَتَّى يُعْنِيَهُمُ اللَّهُ مِنْ فَضْلِهِ﴾ (نور/۳۳)

«و کسانی که امکانی برای ازدواج نمی‌یابند، باید پاکدامنی پیشه کنند تا

خداوند از فضل خود آنان را بی‌نیاز گرداند»

۴. چند برابری قرض: در قرآن کریم در مورد ارزش قرض دادن به دیگران و پاداش

آن آمده است:

﴿مَنْ ذَا الَّذِي يُقْرِضُ اللَّهَ قَرْضًا حَسَنًا فَيُضَاعِفَهُ لَهُ وَلَهُ أَجْرٌ كَرِيمٌ﴾ (حدید/۱۱)

«کیست که به خدا وام نیکو دهد (و از اموالی که به او ارزانی داشته انفاق کند) تا خداوند آن را برای او چندین برابر کند؟ و برای او پاداش پرارزشی است»

۵. بسط رزق و پاداش انفاق

﴿قُلْ إِنَّ رَبِّي يَبْسُطُ الرِّزْقَ لِمَنْ يَشَاءُ مِنْ عِبَادِهِ وَيَقْدِرُ لَهُ وَمَا أَنْفَقْتُمْ مِنْ شَيْءٍ فَهُوَ يُخْفِيهِ وَهُوَ خَيْرُ الرَّازِقِينَ﴾ (سبأ/۳۹)

«بگو: «پروردگرم روزی را برای هر کس بخواهد وسعت می‌بخشد، و برای هر کس بخواهد تنگ (و محدود) می‌سازد؛ و هر چیزی را (در راه او) انفاق کنید، عوض آن را می‌دهد (و جای آن را پر می‌کند)؛ و او بهترین روزی‌دهندگان است»

۶. ازدیاد نعمت

﴿وَإِذْ تَأْتِيَنَّكُمْ رِجَالٌ لَبِيحٌ كَذِبٌ لِئِنْ شَكَرْتُمْ لَأَزِيدَنَّكُمْ وَلِإِنْ كَفَرْتُمْ إِنَّ عَذَابِي لَشَدِيدٌ﴾ (ابراهیم/۷)

«هنگامی را که پروردگارتان اعلام داشت: اگر شکرگزاری کنید، نعمت خود را بر شما خواهیم افزود و اگر ناسپاسی کنید، مجازاتم شدید است»

۷. رزق فرزند

﴿وَلَا تَقْتُلُوا أَوْلَادَكُمْ خَشْيَةَ إِمْلَاقٍ نَحْنُ نَرْزُقُهُمْ وَإِلَيْكُمْ﴾ (اسراء/۳۱)

«و فرزندانتان را از ترس فقر، نکشید! ما آن‌ها و شما را روزی می‌دهیم؛ مسلماً کشتن آن‌ها گناه بزرگی است»

وعده الهی در آخرت

بخش دیگری از وعده‌های الهی در قرآن کریم، چه آیاتی که در آن‌ها از واژه وعده استفاده شده و چه آیاتی که از مضمون آن‌ها می‌توان حقانیت وعده‌های الهی را استنباط نمود مربوط به قیامت است. در این راستا خدای متعال با توجه به عملکرد مؤمنین در دنیا وعده پاداش‌های الهی را می‌دهد. همچنان که که اگر در برابر فرامین الهی سرپیچی

نمایند تهدید به عذابشان نیز می‌کند. در این امر به برخی از آیات و وعده‌های متناسب با آن بیان می‌گردد:

۱. تحقق قیامت

آیات متعددی از قرآن کریم به مسأله تحقق قیامت اشاره نموده و آن را وعده الهی و غیر قابل شک و تردید دانسته است:

﴿يَعْلَمُونَ أَنَّ وَعْدَ اللَّهِ حَقٌّ وَأَنَّ السَّاعَةَ لَا رَيْبَ فِيهَا﴾ (کهف/ ۲۱)

«تا بدانند که وعده خداوند (در مورد رستاخیز) حق است؛ و در پایان جهان و قیام قیامت شکی نیست»

۲. پاداش صاحبان احسن عمل

در راستای تحقق اجر کسانی که صاحبان احسن عمل می‌باشند وعده داده شده است:

﴿إِنَّ الَّذِينَ آمَنُوا وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ إِنَّا لَا نُضِيعُ أَجْرَ مَنْ أَحْسَنَ عَمَلًا﴾ (کهف/ ۳۰)

«مسئلاً کسانی که ایمان آوردند و کارهای شایسته انجام دادند، ما پاداش نیکوکاران را ضایع نخواهیم کرد»

۳. چند برابر کردن حسنات

﴿لِيَجْزِيَهُمُ اللَّهُ أَحْسَنَ مَا عَمِلُوا وَيَزِيدَهُم مِّن فَضْلِهِ وَاللَّهُ يَرْزُقُ مَن يَشَاءُ بِغَيْرِ حِسَابٍ﴾ (نور/ ۳۸)

«تا خدا در مقابل بهترین اعمال ایشان جزاء و ثواب کامل عطا فرماید و از فضل و احسان خویش بر آنها بیفزاید، و خدا هر که را خواهد روزی بی حد و حساب بخشد»

علامه طباطبایی در ذیل این آیه می‌گوید: «کلمه فضل در جمله «و یزیدهم من فضله» به معنای عطا است، و این خود نص در این است که خدای تعالی از فضل خودش آنقدر می‌دهد که در برابر اعمال صالح قرار نمی‌گیرد، بلکه بیش‌تر از آن است، از این آیه روشن‌تر آیه دیگری است که در جای دیگر آمده و می‌فرماید: «لهم ما یشاؤون فیها و لدینا مزید» چون ظاهر آن این است که آن بیش‌تری امری است ماورای خواسته آنان، و مافوق آنچه که ایشان هوس آن کنند» (طباطبایی، ۱۳۷۴: ۱۵ / ۱۷۹-۱۸۰).

این نکته نیز جای دقت دارد که بدانیم در قرآن کریم در موارد متعددی اجر صالحان منوط به خواسته خود آنان است. از آن جمله مثلاً می‌فرماید:

﴿لَهُمْ مَا يَشَاءُونَ عِنْدَ رَبِّهِمْ ذَلِكَ جَزَاءُ الْمُحْسِنِينَ﴾ (زمر/۳۴)

«آنچه بخواهند نزد پروردگارشان برای آنان موجود است؛ و این است جزای نیکوکاران»

و نیز فرموده:

﴿قُلْ أَذِلَّكَ خَيْرٌ أَمْ جَنَّةُ الْخُلْدِ الَّتِي وَعَدَ الْمُتَّقُونَ كَانَتْ لَهُمْ جَزَاءً وَصِيْرًا﴾ (فرقان/۱۵)

«بگو آیا این بهتر است یا بهشت جاویدانی که به پرهیزگاران وعده داده شده؟ بهشتی که پاداش اعمال آن‌ها و قرارگاهشان است»

در برخی دیگر از آیات نیز آمده است:

﴿مَنْ جَاءَ بِالْحَسَنَةِ فَلَهُ عَشْرُ أَمْثَالِهَا﴾ (انعام/۱۶۰)

«هر کس که کار نیکی به صحنه حساب بیاورد ده برابر به او پاداش خواهند داد»

البته آنچه در این آیه قابل دقت می‌باشد این است که این ثواب به شرط بقاء عمل در نامه اعمال است زیرا اعمال صالح ممکن است در اثر برخی گناهان دچار آسیب شده و همه یا بخشی از آن‌ها نابود شود. آنچه از مجموع این آیات می‌توان استنباط نمود این است که یکی از نکات مهم در این آیات عبارت است از اینکه انسان، هر آنچه را که خواستش بدان تعلق گیرد در اختیار دارد، پس سرمایه انسان در بهشت تنها خواستن است که سبب تاملی است برای بدست آمدن آنچه مورد خواسته او واقع شود، حال هرچه می‌خواهد باشد، به خلاف دنیا که بدست آوردن چیزی از مقاصد دنیا، علاوه بر خواستن، احتیاج به عوامل و اسباب بسیار دارد. پس آیه شریفه، اولاً دلالت دارد بر اینکه متقین در دار قرب و جوار رب العالمین هستند، و ثانیاً هرچه بخواهند در اختیار دارند.

۴. مغفرت و اجر عظیم

یکی از وعده‌هایی که خداوند به مؤمنین داده است، وعده مغفرت و اجر عظیم می‌باشد، قرآن در این باره می‌فرماید:

﴿وَعَدَ اللَّهُ الَّذِينَ آمَنُوا وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ لَهُمْ مَغْفِرَةٌ وَأَجْرٌ عَظِيمٌ﴾ (مائده/۹)

«خداوند، به آن‌ها که ایمان آورده و اعمال صالح انجام داده‌اند، وعده آمرزش و پاداش عظیمی داده است»

۵. نعمت‌های بهشتی

از دیگر وعده‌هایی که در قرآن بسیار به چشم می‌خورد آیاتی است که بهشت و نعمت‌های آن را به مؤمنین، وعده و بشارت می‌دهد:

﴿وَالَّذِينَ آمَنُوا وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ سَنُدْخِلُهُمْ جَنَّاتٍ تَجْرِي مِنْ تَحْتِهَا الْأَنْهَارُ خَالِدِينَ فِيهَا أَبَدًا وَعَدَّ اللَّهُ حَقًّا وَمَنْ أَصْدَقُ مِنَ اللَّهِ قِيلًا﴾ (نساء/۱۲۲)

«و آنان که به خدا گرویدند و کارهای شایسته کردند به زودی آن‌ها را به بهشتی درآوریم که زیر درختانش نهرها جاری است و همیشه برای ابد در آن باشند. وعده خدا حق است، و کیست در گفتار راستگوتر از خدا»

این نکته قابل دقت است که اگر سخن از بهشت و بیان نمونه‌هایی از این نعمت‌های بهشتی می‌باشد باید گفت که این‌ها می‌تواند از باب تشبیه معقول به محسوس باشد لذا در برخی از آیات اشاره به پاداش‌هایی گشته که نفس انسان از حقائق آن آگاهی ندارد:

﴿فَلَا تَعْلَمُ نَفْسٌ مِمَّا أُخْفِيَ لَهُمْ مِنْ قُرَّةِ أَعْيُنٍ جَزَاءً بِمَا كَانُوا يَعْمَلُونَ﴾ (سجده/۱۷)

«هیچ کس نمی‌داند چه پاداش‌های مهمی که مایه روشنی چشم‌هاست برای آن‌ها نهفته شده، این پاداش کارهایی است که انجام می‌دادند»

تعریف ایمان

ایمان مصدر باب افعال، از ریشه «أ م ن» به معنای ایجاد اطمینان و آرامش در قلب خویش یا دیگری است. تصدیق کردن خبر کسی بر اثر اطمینان یافتن از صحت و عدم کذب آن، و از بین رفتن ترس، اضطراب و وحشت از دیگر معانی کاربردی آن است (ابن فارس، ۱۳۹۹: ۱۳۳/۱). گاهی هم واژه ایمان، بر روش مدح و ستایش به کار می‌رود که مراد پذیرفتن و گردن نهادن نفس با تصدیق به آن است (راغب اصفهانی، ۱۳۷۵: ۲۰۷/۱) و طبق تعریفی از امام علی علیه السلام: «الْإِيمَانُ مَعْرِفَةٌ بِالْقَلْبِ، وَإِقْرَارٌ بِاللِّسَانِ، وَعَمَلٌ بِالْأَرْكَانِ» (نهج البلاغه، حکمت ۲۲۷): ایمان «شناختن به دل، و اقرار به زبان و فرمان

بردن با اندام‌ها است» می‌باشد. با توجه به کاربرد واژه ایمان در قرآن کریم، آیاتی را که به موضوع ایمان پرداخته است، می‌توان در چند گروه دسته بندی کرد:

۱. برخی از آن‌ها ضرورت ایمان و نقش آن را در اعطاء پاداش حیات دنیوی و اخروی به یاد آورده است:

﴿فَأَمَّا الَّذِينَ آمَنُوا وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ فَيُوَفِّيهِمْ أُجُورَهُمْ وَيَزِيدُهُم مِّن فَضْلِهِ﴾ (نساء/ ۱۷۳)

«اما آن‌ها که ایمان آوردند و اعمال صالح انجام دادند، پاداششان را به طور کامل خواهد داد و از فضل و بخشش خود، بر آن‌ها خواهد افزود»

۲. دسته‌ای دیگر ویژگی‌های مؤمنان را بازگو کرده است:

﴿إِنَّمَا الْمُؤْمِنُونَ الَّذِينَ إِذَا ذُكِرَ اللَّهُ وَجِلَّتْ قُلُوبُهُمْ وَإِذَا تَلَّيْتْ عَلَيْهِمْ آيَاتَهُ زَادَتْهُمْ إِيمَانًا وَعَلَىٰ رَبِّهِمْ يَتَوَكَّلُونَ﴾ (انفال/ ۲)

«مؤمنان، تنها کسانی هستند که هر گاه نام خدا برده شود، دل‌هاشان ترسان می‌گردد و هنگامی که آیات او بر آن‌ها خوانده می‌شود، ایمانشان فزون‌تر می‌گردد و تنها بر پروردگارشان توکل دارند»

۳. برخی آیات ضمن برشمردن متعلقات ایمان، به آثار روی‌گردانی از آن‌ها نیز اشاره کرده:

﴿يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا آمِنُوا بِاللَّهِ وَرَسُولِهِ وَالْكِتَابِ الَّذِي نَزَّلَ عَلَىٰ رَسُولِهِ وَالْكِتَابِ الَّذِي أَنْزَلَ مِن قَبْلُ وَمَن يَكْفُرْ بِاللَّهِ وَمَلَائِكَتِهِ وَكُتُبِهِ وَرُسُلِهِ وَالْيَوْمِ الْآخِرِ فَقَدْ ضَلَّ ضَلَالًا بَعِيدًا﴾ (نساء/ ۱۳۶)

«ای کسانی که ایمان آورده‌اید! به خدا و پیامبرش، و کتابی که بر او نازل کرده، و کتب (آسمانی) که پیش از این فرستاده است، ایمان (واقعی) بیاورید کسی که خدا و فرشتگان او و کتاب‌ها و پیامبرانش و روز واپسین را انکار کند، در گمراهی دور و درازی افتاده است»

نقش ایمان در تعالی زندگی

با توجه به آنچه که در مورد ایمان و وجود وعده‌های تخلف‌ناپذیر الهی بیان گشت می‌توان استنباط نمود که ایمان به وعده‌های الهی و اینکه هیچ‌گونه تخلفی نیز در آن

راه ندارد در زندگی انسان نقش مثبت داشته، و تلاش او را در رسیدن به اهداف والای زندگی چند برابر می‌سازد. بر اساس آیات کریمه قرآن کریم چنین انسانی زندگی خود و کل هستی را باطل نمی‌داند:

﴿رَبَّنَا مَا خَلَقْتَ هَذَا بَاطِلًا﴾ (اعراف/ ۱۹۱)

«بار الها این را بیهوده نیافریده‌ای»

و از سویی با اقرار به ایمان به وعده‌های تخلف ناپذیر الهی چشم امید به تحقق آن‌ها را دارد:

﴿رَبَّنَا وَإِنَّا مَا وَعَدْتَنَا عَلَىٰ رُسُلِكَ وَلَا تُخْزِنَا يَوْمَ الْقِيَامَةِ﴾ (اعراف/ ۱۹۴)

«پروردگارا، آنچه به وسیله پیامبران ما را وعده فرمودی، به ما مرحمت کن، و ما را در روز رستاخیز رسوا مگردان»

خدای متعال نیز به وعده‌اش عمل می‌نماید:

﴿فَاسْتَجَابَ لَهُمْ رَبُّهُمْ أَنِّي لَا أُضِيعُ عَمَلَ عَامِلٍ مِّنْكُمْ مِّمَّنْ ذُكِّرُوا أَنِّي﴾ (اعراف/ ۱۹۵)

«خداوند درخواست آن‌ها (صاحبان خرد که درخواست‌های آن‌ها در آیات سابق گذشت) را پذیرفت (و فرمود) من عمل هیچ عمل‌کننده‌ای از شما را، خواه زن باشد یا مرد ضایع نخواهم کرد»

و اطمینان باطنی دارد که در آن تخلفی نیست:

﴿إِنَّكَ لَا تَخْلِفُ الْمِيعَادَ﴾ (اعراف/ ۱۹۴)

«همانا تو هیچ‌گاه از وعده خود تخلف نمی‌کنی»

از این منظر می‌توان اقرار داشت، تفاوت عمده و اساسی انسان با سائر موجودات، که ملاک انسانیت او به شمار می‌رود، و منشأ چیزی به نام تمدن و فرهنگ انسانی گردیده است در دو ناحیه بینش‌ها و گرایش‌ها می‌باشد (مطهری، ۱۳۷۵: ۲/۲۱) و لذا اهمیت گرایش به ایمان در انسان نیز مشخص می‌شود. انسان فاقد ایمان موجودی مغرور و غرق در خودخواهی و حیران و سرگردان خواهد بود. این ایمان است که می‌تواند حقیقت انسان بودن را به او نشان دهد. این ایمان است که می‌تواند به تفکر انسان قداست بخشد و انسان منهای ایمان دنیا را مانند زندانی می‌داند که می‌خواهد از آن

نجات پیدا کند. به خلاف انسان دارای ایمان که دنیا را متجر اولیاء الله و مزرعه آخرت خود می‌داند و از دنیا بیش‌ترین استفاده را به عمل می‌آورد:

«إِنَّ الدُّنْيَا دَارٌ صِدْقٍ لِمَنْ صَدَقَهَا وَدَارٌ غَافِيَةٍ لِمَنْ فَهِمَ عَنْهَا وَدَارٌ غِنَى لِمَنْ تَزَوَّدَ مِنْهَا وَدَارٌ مَوْعِظَةٌ لِمَنْ اتَّعَطَّ بِهَا. مَسْجِدٌ أَحِبَّاءِ اللَّهِ وَمُصَلَّى مَلَائِكَةِ اللَّهِ وَمَهْبِطٌ وَحَى اللَّهِ وَمَتَجَّرٌ أَوْلِيَاءِ اللَّهِ اِكْتَسَبُوا فِيهَا الرَّحْمَةَ وَرَبِحُوا فِيهَا الْجَنَّةَ»
(نهج البلاغه، حکمت ۱۳۱)

«دنیا، جایگاه صدق و راستی است برای آن کس که با آن به راستی رفتار کند، و خانه تندرستی است برای آن کس که از آن چیزی بفهمد، و سرای بی‌نیازی است برای آن کس که از آن، توشه بگیرد، و محل اندرز است برای آن که از آن اندرز گیرد. مسجد دوستان خدا و نمازگاه فرشتگان پروردگار و محل نزول وحی خدا و تجارتخانه اولیاء حق است. آن‌ها در اینجا رحمت خدا را به دست آوردند و بهشت را سود خود قرار داده‌اند»

انسانی که قرار است در سیر الی‌اللهی خویش موفق باشد باید در قدم نخست ایمان خویش را استوار سازد. ایمان به خدا، نبوت و وحی و سائر متعلقات آن که در قرآن کریم تبیین گشت، راه رسیدن به بهشت را میسر می‌کند و الا جایگاهش در دوزخ خواهد بود. از این جهت برخی از بزرگان شرط آغازین تحصیل زاد و توشه را ایمان معرفی نمودند (جوادی آملی، ۱۳۹۰: ۲۲۸). از این رو ایمان به وعده‌های الهی در زندگی انسان نقشی مستقیم داشته تا جایی که در نوع نگرش و بینش انسان معتقد به دین و مذهب و انسان فاقد ایمان به دین و مذهب این مهم را می‌توان احساس کرد. انسان باورمند به وعده‌های تحقق بخش الهی که برخاسته از دین و مذهب حق است، تلاش‌هایی برتر از انسان مادی و ناامید از زندگی دارد. ایمان به خدا و وعده‌های تحقق بخش الهی، تردیدها را از بین برده و انسان را در راه رسیدن به هدف واقعی خود کمک می‌کند. این ایمان، بزرگ‌ترین پشتوانه‌ای است که انسان می‌تواند داشته باشد. از همین منظر زیر بنای همه اصول اخلاقی و منطقی همه آن‌ها بلکه سرسلسله همه معنویات ایمان مذهبی یعنی ایمان و اعتقاد به خداست (مطهری، ۱۳۸۵: ۷۶۲). اگر ایمان و باور به وجود خدا در مؤمن از مرحله علم عبور کند و وارد روح انسان شود، آنگاه می‌تواند یأس و نومیدی

را از او دور کند و امید و معناداری را به زندگی هدیه نماید. وجه اطلاق «ایمان» بر «عقیده» آن است که مؤمن اعتقاد خود را از ریب و شک و اضطراب می‌رهاند و به آن امنیت می‌دهد و برای رسیدن به آن تنها علم کافی نیست، بلکه این اعتقاد باید با قلب و جان انسان معتقد عجین شود تا اطلاق ایمان به آن درست باشد (جوادی آملی، ۱۳۹۰: ۲۲۸). هرچند در منطق قرآن انسان معمار خویش است، اما این معماری نه با نقشه‌ای انسانی که با نقشه‌ای الهی صورت می‌گیرد. معماری حیات انسان بدون ایمان سبب می‌شود که وی عاری از ارزش‌هایی باشد که او را خلیفه الله کرده است. از آیات قرآن کریم استنباط می‌شود که انسان فاقد ایمان و جدا از خدا، و ناامید از رحمت و اسعه الهی انسان واقعی نیست. انسان اگر به یگانه حقیقتی که با ایمان به او و یاد او آرام می‌گیرد بپیوندد، دارنده همه کمالات است و اگر از آن حقیقت یعنی خدا، جدا بماند درختی را ماند که از ریشه خویشتن جدا شده است.

شهید مطهری با اذعان به اینکه، معماری انسان توسط اراده خود اوست، وی می‌گوید: «نظر قرآن به این است که انسان همه کمالات را بالقوه دارد و باید آن‌ها را به فعلیت برساند و این خود اوست که باید سازنده و معمار خویشتن باشد. شرط اصلی وصول انسان به کمالاتی که بالقوه دارد، ایمان است» (مطهری، ۱۳۷۵: ۲/۲۷۳). این ایمان، موجب آن است که انسان تلاش‌هایی علی‌رغم گرایش‌های طبیعی فردی انجام دهد و احیاناً هستی و حیثیت خود را در راه ایمان خویش فدا سازد. این ایمان، پیوندی است میان انسان و جهان، و به عبارت دیگر نوعی هماهنگی است میان انسان و آرمان‌های کلی جهان. اما ایمان و آرمان‌های غیر مذهبی و یا برخاسته از اندیشه نیهیلیسم، نوعی بریدگی از جهان و ساختن جهانی خیالی برای خود است که به هیچ وجه از جهان بیرون حمایت نمی‌شود. ایمان مذهبی تنها یک سلسله تکالیف برای انسان علی‌رغم تمایلات طبیعی تعیین نمی‌کند بلکه قیافه جهان را در نظر انسان تغییر می‌دهد. عناصری علاوه بر عناصر محسوس در ساختمان جهان ارائه می‌دهد. جهان سرد و خشک مکانیکی مادی را به جهانی جاندار و ذی شعور و آگاه تبدیل می‌کند. ایمانی که برخاسته از مذهب و باورمندی به وعده‌های الهی است می‌تواند تلقی انسان را نسبت به جهان و خلقت دگرگون می‌سازد. انسان به حکم اینکه یک طرف معامله است، نسبت به جهان که طرف

دیگر معامله است، اعتماد و اطمینان می‌بخشد، دلهره و نگرانی نسبت به رفتار جهان را در برابر انسان زایل می‌سازد. این ایمان، در زندگی انسان دارای آثار فراوانی می‌باشد. مواردی همچون خوش‌بینی نسبت به جهان آفرینش، روشن‌بینی و روشن‌دلی، امیدواری، آرامش خاطر، بهبود روابط اجتماعی و کاهش ناراحتی‌ها از جمله مواردی است که استاد شهید مطهری به آن‌ها اشاره می‌نماید (مطهری، ۱۳۷۵: ۴۸/۲).

علامه محمد تقی جعفری نیز در مورد نقش ایمان به خدا، مواردی همچون ایمان به خدا موجب نشاط و سرور است، بار خود را به دوش دیگران نمی‌اندازد، موجب شخصیت و شرف ذاتی انسان است، را برشمرده و همچنین در مورد عدم ایمان به خدا مواردی همچون مانع به فعلیت رسیدن و مانع وجدان کاراست، آزادی را در شهوت رانی مصرف می‌کند، عدم حیا، تفکرات صحیح نداشتن، عدم قدرت توجیه و تفسیر زندگی و استعفا دادن از انسانیت، در عین محرومیت از پذیرش در لیست حیوانات را ذکر می‌نماید (جعفری، ۱۳۷۵: ۸۳/۲۰).

انسان معتقد به وعده‌های الهی، عالم هستی را خان رحمت گسترده حق تعالی دانسته و تمام عالم را نعمت خدا می‌داند و خود و همه نعمت‌ها را فضل و رحمت الهی به حساب می‌آورد. رحمت خداوند هم تمام است و هم کامل. تمامیت از آن جهت است که برآوردن حاجات نیازمندان را هم اراده کرده و هم بر خود لازم کرده است (فیض کاشانی، ۱۳۸۵: ۱۶۰/۱).

عمومیت رحمت از آن جهت است که مستحق و غیر مستحق، دنیا و آخرت، امور ضروری و غیر ضروری را فرا می‌گیرد. تنها چیزی که می‌تواند به انسان‌ها امید بدهد و به مقاومت و خویشن‌داری دعوت کند و نگذارد در محیط فاسد حل شوند، امید است؛ به همین دلیل، امید و ایمان به وعده‌های الهی را می‌توان همواره به عنوان یک عامل مؤثر تربیتی و هدفمند در مورد افراد شناخت. در همین امر، قطعاً یکی از جلوه‌های تبلور یافتن ایمان به خدا، در ایمان به وعده‌های الهی است که در همین راستا هیچ صاحب‌ایمانی نباید از رحمت خدا ناامید شود، زیرا یأس از رحمت خدا، در حقیقت محدود کردن قدرت او و در معنای کفر به احاطه وسعت رحمت اوست (طباطبائی، ۱۳۷۴: ۲۵۱/۱۱).

نتیجه بحث

هدفمندی و جهت داشتن در زندگی انسان در گرو پی بردن درست به اهداف خلقت بوده؛ در این راستا، عبادت در جهت لقاء الهی نقش مهمی دارد که در آیات و روایت معصومین علیهم السلام به آن پرداخته شده است. از همین رو خدای متعال برای رسیدن انسان به کمال مطلوب و در جهت دمیدن روح امید و تعالی بخشیدن حیات انسانی، وعده‌هایی غیر قابل تخلف را در دو جهت دنیوی و اخروی بیان نموده که ایمان به آن می‌تواند تلاشی مضاعف در انسان ایجاد نموده و ضمن معنا بخشی به زندگی انسان و خط بطلان پوچ‌گرایی، نشاط و سرور، خوش بینی به عالم هستی، احساس امنیت، شرف، شخصیت و دوری از اضطراب و آرامش روحی و روانی از جمله موارد آن می‌باشد. ایمان به وعده‌های الهی جلوه‌ای از ایمان به ساحت الهی بوده که باعث حس امید به رحمت واسعه حق تعالی می‌باشد که این خود در هدفمندی حیات انسانی اثر مثبت دارد.

کتابنامه

- قرآن کریم. ترجمه آیت الله مکارم شیرازی.
- نهج البلاغه. ترجمه و تحقیق محمد دشتی.
- ابن منظور، محمد بن مکرم. ۱۴۱۴ق، لسان العرب، ج ۳، بیروت: دار صادر.
- ابو هلال، عسگری و سید نورالدین جزایری. ۱۴۱۲ق، معجم فروق اللغویة، تنظیم: شیخ بیت الله بیات، چاپ اول، بی جا: مؤسسه نشر اسلامی.
- جعفری، محمدتقی. ۱۳۷۵ش، ترجمه و تفسیر نهج البلاغه، تهران: دفتر فرهنگ اسلامی.
- جعفری، محمدتقی. ۱۳۷۵ش، فلسفه و هدف زندگی، تهران: انتشارات قدیانی.
- جوادی آملی، عبدالله. ۱۳۸۳ش، توحید در قرآن، چاپ اول، قم: نشر اسراء.
- جوادی آملی، عبدالله. ۱۳۸۴ش، انتظار بشر از دین، چاپ سوم، قم: نشر اسراء.
- جوادی آملی، عبدالله. ۱۳۸۷ش، نسبت دین و دنیا، تحقیق: علیرضا روغنی موفق، چاپ پنجم، قم: نشر اسراء.
- جوادی آملی، عبدالله. ۱۳۸۸ش، ادب فنای مقربان، ج ۲، تحقیق محمد صفائی، چاپ پنجم، قم: نشر اسراء.
- جوادی آملی، عبدالله. ۱۳۸۸ش، تسنیم، ج ۱۰، تحقیق سعید بندعلی، چاپ سوم، قم: نشر اسراء.
- جوادی آملی، عبدالله. ۱۳۸۸ش، تسنیم، ج ۱، تحقیق علی اسلامی، چاپ هشتم، قم: نشر اسراء.
- جوادی آملی، عبدالله. ۱۳۹۰ش، مراحل اخلاق در قرآن، چاپ دوازدهم، قم: نشر اسراء.
- حسن زاده، حسن. ۱۳۷۷ش، ممد الهمم در شرح فصوص الحکم، چاپ اول، تهران: وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، سازمان چاپ و انتشارات.
- حکمت، نصرالله. ۱۳۸۴ش، حکمت و هنر در عرفان ابن عربی، تهران: فرهنگستان هنر.
- راغب اصفهانی، حسین بن محمد. ۱۳۶۹ش، ترجمه و تحقیق مفردات الفاظ قرآن با تفسیر لغوی و ادبی قرآن، چاپ اول، تهران: مرتضوی.
- رشاد، علی اکبر. ۱۳۷۹ش، دموکراسی قدسی، تهران: پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی.
- سجادی، جعفر. ۱۳۸۹ش، فرهنگ اصطلاحات و تعبیرات عرفانی، چاپ نهم، تهران: طهوری.
- طاهری، حبیب الله. ۱۳۹۴ش، سیمای آفتاب، چاپ نهم، قم: انتشارات آستان مقدس حضرت معصومه.
- طباطبایی، محمد حسین. ۱۳۷۴ش، المیزان، ترجمه محمد باقر موسوی، قم: انتشارات اسلامی حوزه علمیه قم.
- طیب، سید عبد الحسین. ۱۳۷۸ش، اطیب البیان فی تفسیر القرآن، ج ۱ و ۹ و ۱۰، چاپ دوم، تهران: انتشارات اسلام.

- فرامرز قراملکی، احد. ۱۳۷۳ش، موضع علم دین در خلقت انسان، تهران: آرایه.
- فیض کاشانی، محسن. ۱۳۸۵ش، علم الیقین فی اصول الدین، مترجم: حسین استادولی، چاپ دوم، تهران: حکمت.
- قرائتی، محسن. ۱۳۸۳ش، تفسیر نور، ج ۹، چاپ یازدهم، تهران: مرکز فرهنگی درس‌هایی از قرآن.
- قرشی، سید علی اکبر. ۱۳۷۱ش، قاموس قرآن، ج ۷، تهران: دار الکتب الإسلامية.
- مصباح یزدی، محمدتقی. ۱۳۹۱ش، معارف قرآن، ج ۱، تحقیق و نگارش: محمدحسین اسکندری، چاپ هشتم، قم: انتشارات مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی(ره).
- مصطفوی، حسن. ۱۳۸۰ش، تفسیر روشن، ج ۳، چاپ اول، تهران: مرکز نشر کتاب.
- مطهری، مرتضی. ۱۳۶۵ش، تکامل اجتماعی انسان، چاپ دوم، قم: انتشارات صدرا.
- مطهری، مرتضی. ۱۳۷۵، مجموعه آثار، ج ۲، چاپ ششم، قم: انتشارات صدرا.
- مطهری، مرتضی. ۱۳۸۵ش، مجموعه آثار، ج ۲۳، چاپ سوم، قم: انتشارات صدرا.
- مکارم شیرازی، ناصر. ۱۳۷۴ش، تفسیر نمونه، چاپ اول، ج ۲۲، تهران: انتشارات دار الکتب الاسلامیه.
- مولوی، جلال الدین محمد. ۱۳۷۵ش، مثنوی معنوی، تهران: علمی و فرهنگی.
- نصری، عبدالله. ۱۳۷۹ش، مبانی انسان شناسی، تهران: مؤسسه فرهنگی دانش و اندیشه معاصر.
- نصری، عبدالله. ۱۳۸۸ش، فلسفه آفرینش، چاپ سوم، قم: دفتر نشر معارف.
- یزدان پناه، سید یدالله. ۱۳۹۳ش، مبانی و اصول عرفان نظری، چاپ ششم، قم: مؤسسه امام خمینی(ره).

مقالات

- استیس، والتر. ۱۳۸۲ش، «در بی معنائی معنا هست»، مترجم: اعظم پویا، نقد و نظر، شماره ۲۹-۳۰، صص ۱۰۸-۱۲۳.

Bibliography

- The Qur'an of Karim. The translation of Allah Makarem Shirazi
Sharif al-Din Razi, Seyyed Mohammad Hussein. Nahj-ol-Balaghah.1379. Translation and research of Mohammad Dashti. Cham. Popular celebrity
Ibn Muhammad, Muhammad b. Makram; 1414. Lissan al-Arab, C 3. Bristol, exported.
Abe Hilal, Asgari and Jazayeri, Sayed Nooruddin; 1412. Ma'jam Forouq Al-Ghaoyi.: Setting: Sheikh Baitullah Bayat, First Edition. Islamic Publishing House

- Ahmad ibn Fars bin zakriya al-kzvini al-Razi,'Aboo al-Hussein. 1399 A / 1. Al-Muhacq; Abdul Salam Muhammad Aaron. Elnashr: Dar Al-Wink
- Jafari, Mohammad Taghi, 1996, translation and commentary of Nahj al-Balaghah, Tehran, Islamic Culture Office.
- Parsley. Mohammad Taghi. 1375. Philosophy and the Purpose of Life. Tehran. Publications.
- Javadi Amoli, Abdullah. 1383. Towhid in the Qur'an, first edition, Qom: publication of the Asra
- Jawadi Amoli, Abdullah, 1384. Expecting to go away. Third edition, Qom: publishing asra
- Javadi Amoli, Abdullah. 2008 Relationship Between Religion and the World, Research by Alireza Roghani. Fifth edition, Qom: publishing
- Javadi Amoli, Abdullah. 1388. Tznim, Vol. 1, Research by Ali Ali, Eighth Edition, Qom: Osra Publication
- Javadi Amoli, Abdullah. , 2009, vol. 10, research by Saeed Batali. Third edition, Qom: publishing asra.
- Javadi Amoli, Abdullah, 2009. Awareness of the Providence, J 2, Research. Mohammad Safaei, Fifth Edition, Qom: Asra Publication
- Jawadi Amoli, Abdullah, 1390. Ethics in the Qur'an. Twelfth Book.
- Hassanzadeh. Hassan. 1377. Mamad al-Hham in the description of Fusus al-Hikam. First print. Tehran. Ministry of Culture and Islamic Guidance, Printing and Publishing.
- Hikmat, Nasrallah, 2005. Wisdom and Art in Ibn Arabi's Sufism, Tehran: Art Academy.
- Ragheb Esfahani, Hossein ibn Muhammad, 1369. Translation and research of the narrations of the Qur'anic verses by the literal and literary interpretation of the Quran, first edition. Tehran,
- Rishad, Ali Akbar, 2000, Qodsi Democracy, Tehran, Research Center for Islamic Culture and Thought.
- Sajjadi, Ja'far, 2010. The Culture of Mystical Terms and Expressions, Ninth Edition, Tehran: Taheri,
- Taheri, Habibollah.1394.Samsay sun.Print ninth.Phrom.This publications in the sacred province of Masoumeh.
- Tabatabaei Mohammad Hossein. 1374. Al-Mizan. Translated by Mohammad Bagher Mousavi. Publications of Islamic Seminary of Qom.
- Tayyib S. Abdul Hussein.1378.Tab al-Bayan in the commentary of al-Quran, Vol. 1.9.10., Second edition. Tehran, Islamic publication,
- Faiz Kashani, Mohsen, 1385, Alam Oliquin Phisos al-Din, Translator: Hossein Stadoli, Second Edition. Tehran, Hekmat.
- Faramarz Gharmaleki, Ahd. 1373, The Position of Religion in the Creation of Man, Tehran, Array.
- Qaraati, Mohsen; 1383. Interpretation, Oct. 9, 11th Edition, Tehran, Center for Cultural Studies, Courses,
- Gharashi, Seyyed Ali Akbar; 1.371 Qamas Quran, Q7. Tehran. Darlkab al-Imam,, Mesbah Yazdi. Mohammad Taghi; 1391. The Encyclopedia of the Qur'an, C 1, Research and Writing: Mohammad Hussein Eskandari. Eighth Printing of Qom: Imam Khomeini Institute of Education and Research (RA).
- Mostafavi, Hasan; 2001; clear commentary; c. 3. First Printing. Tehran, Center for Book Publishing.
- Motahari, Morteza. 1365. The social complexity of man. Second edition. Sadra's Exile.
- Motahari, Morteza. 1375 Collection of works c 2. 6th edition. Sadra Publications

Motahari, Morteza I. 385. Collection of works 23. Book III.
Makarem Shirazi. Elements. 1374. Interpreting. Imprint. First, July 22, Tehran. Publishing House of the Islamic Republic of Iran.. Rumi. Jalaluddin Muhammad. 1375. Spiritual Excellence ..? Tehran. Scientific Cultural Publishing Company.
Nasri Abdullah. 1388. Creation of Folklore, Third Printing.
Nasri, Abdullah .1379, Fundamentals of Anthropology, Tehran, Institute for Cultural Knowledge and Contemporary Thought.
Yazdan refuge. Sayyid Yadollah. 1393. Religion and principles of theoretical mysticism; Sixth edition. Imam Khomeini Institute

Article

Steic, Walter C. 1382. It is meaningless in meaning. Content: Dynamic, Azim; Review and Opinion, No. 29-30 (from 108 to 123)

